

۱۴۲۵ ۲۵ ۴

دانشنامه تصویری آیین‌های ایران
Pictorial Encyclopedia of Iranian

مرآت‌البلدان و طلیس‌ها شرق استوری

عباس ته‌خیلدار
نویسنده: مارنرسای بیامبر



۱۳۹۷



سروشنامه: تحولیلدار، عباس، ۱۳۴۴، عکاس
Tahvildar, Abbas

عنوان و نام پدیدآور: دانشنامه تصویری آیین‌های ایرانی / عکاس مؤلف عباس تحولیلدار؛ نویسنده [همکار] مارنرسای بنیامین؛
ویراستار متن فارسی مرضیه رضایی؛ مترجم و ویراستار انگلیسی ژانین بنیامین فغی بیگلو.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ج. ۱

شابک: دوره: ۸۷۷-۱۲-۴-۱۳۰۱، ج ۱، ۹۷۹-۶-۸۷۷-۱۲-۴-۱۳۰۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

مدرجات: ج. ۱، مراسم آیینی و کلیساهای شرق آشوری ارومیه.

موضوع: اقلیت‌های دینی - ایران - شعائر و مراسم مذهبی - مصور

موضوع: Religious minorities - Iran - Rites and ceremonies - Pictorial works

موضوع: اقلیت‌های دینی - ایران - شعائر و مراسم مذهبی

موضوع: Religious minorities - Iran - Rites and ceremonies

موضوع: کلیساهای شرق - ایران - مصور

Eastern churches - Iran - Pictorial works

موضوع: ایران - زندگی و آداب و رسوم دینی

Iran - Religious life and customs

موضوع: ایران - زندگی و آداب و رسوم دینی - مصور

Iran - Religious life and customs - Pictorial works

شناسه افزوده: بنیامین، مارنرسای، ۱۳۵۸

شناسه افزوده: بنیامین فغی بیگلو، ژانین، ۱۳۶۱ - مترجم، ویراستار

شناسه افزوده: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

Research Institute of Cultural Heritage & Tourism

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۲۳۲/۵۵۰/۷

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۵۵۸۱۲



مرکز معرفی فرهنگی

دانشنامه تصویری آیین‌های ایرانی ۱ مراسم آیینی و کلیساهای شرق آشوری ارومیه

عکاس مؤلف: عباس تحولیلدار

نویسنده: مارنرسای بنیامین

ویراستار متن فارسی: مرضیه رضایی

مترجم و ویراستار انگلیسی: ژانین بنیامین فغی بیگلو

طراح گرافیک جلد و متن: شاپور حاتمی

چاپ و صحافی: ناصح

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

چاپ اول: ۱۳۹۷

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۷۷-۱۲-۴-۱۳۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۷۷-۱۲-۴-۱۳۰۱

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

© کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی‌تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۳۶۴۵۲-۶۰ دورنگار: ۰۲۱-۶۶۷۳۶۷۸۸

رایانامه: ccp@richt.ir

www.richt.ir

فروشگاه اینترنتی: richtbook.ir

Photographer and Author: Abbas tahvildar

Writer: Mar Narsai Benyamin

Design director: Shapour Hatami

Persian editor: Marzieh Rezai

English translator and editor: Janin Benyamin Faghi Bigloo

ISBN: 978-600-8412-96-0

۹	سخن ناشر
۱۰	پیشگفتار
۱۴	مقدمه رئیس پژوهشکده میراث فرهنگی و گردشگری
۱۴	مقدمه عکاسباشی
۱۵	مقدمه نماینده آشوریان ایران در مجلس شورای اسلامی
۱۸	مقدمه‌ای بر کلیساهای شرق آشوری ایران
۲۴	درجات کلیسایی
۲۶	اعیاد مذهبی بر اساس کتاب مقدس انجیل
۳۰	قدمت و پیشینه تاریخی کلیسای شرق آشوری ارومیه
۳۸	مراسم غسل تعمید
۴۴	کلیسای حضرت مریم (ساختمان قدیمی)
۴۸	عید میلاد عیسی مسیح و مراسم مربوط به آن
۵۱	کلیسای مارادیشو و مارقارداغ روستای ترمنی
۶۰	گوشت قربانی
۷۰	کلیسای حضرت مریم (ساختمان جدید)
۷۲	مراسم راز قربانی مقدس (عشاء ربّانی)
۸۲	عروسی
۸۸	مراسم عید قیام عیسی مسیح (عید پاک)
۱۰۸	مراسم آبریزان
۱۱۴	کلیسای مارسرگیس و ماریکوس واقع بر کوه سیر
۱۱۸	مراسم یادبود قدّیس راتّان هرمز
۱۲۹	کلیسای مارزایا روستای گوگ تپه
۱۳۲	مراسم یادبود مارزایای نیکبخت
۱۴۰	کلیسای مارسوریشو روستای تکیه اردوشاهی

۱۴۲	کلیسای مارتومای رسول در روستای بالولان
۱۴۸	مراسم یادبود تومای رسول
۱۵۲	کلیسای مارسوریشو واقع در روستای موشی آباد
۱۵۴	کلیسای مارگیورگیس واقع در روستای سپورغان
۱۵۸	کلیسای مارشالیطا روستای دیزج تکیه
۱۶۰	کلیسای ماردانیال واقع در روستای آده بزرگ
۱۶۲	کلیسای حضرت مریم روستای گلپاشین
۱۶۶	کلیسای مارگریس روستای ریخان آباد
۱۶۸	توضیح مختصری درباره نیت گذاری در کلیسا
۱۷۶	کلیسای حضرت مریم حله‌ی چهاربخش ارومیه
۱۸۰	کلیسای مارقوریقوس - صقه اسلام آباد ارومیه
۱۸۲	کلیسای رابان هرمز واقع در روستای دزگیره
۱۹۰	کلیسای حضرت مریم روستای انهر
۱۹۲	کلیسای مارقوریقوس روستای زیلا
۱۹۴	کلیسای حضرت مریم روستای چمکی
۱۹۶	کلیسای مارگریئل (مارگورا) روستای آرمود آغاج
۱۹۸	کلیسای حضرت مریم روستای نازلو
۲۰۲	کلیسای شمونی و پسرانش، روستای شمس حاجیان
۲۰۴	کلیسای حضرت مریم واقع در روستای چهره گشا
۲۰۶	تقدیس انگور
۲۱۲	کلیسای حضرت مریم بر دامنه کوه سیر
۲۱۴	کلیسای ماریوحنا واقع در روستای گولان
۲۱۸	کلیسای مارشالیطا واقع در روستای دیزج تکیه
۲۲۰	کلیسای مارییشو روستای قلعه اسماعیل آقا
۲۲۲	کلیسای مارگیورگیس روستای جنیزه
۲۲۴	کلیسای مارگیورگیس روستای وزیر آباد
۲۲۶	مراسم افتتاح کلیسای مارگیورگیس
۲۳۲	مرگ

فرهنگ ایرانی، فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی است که علیرغم تنوع و تکثر موجود در جامعه‌ی امروزی به انسجام ملی کمک نموده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهنسال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی را به همراه می‌آورد. عزت ملی از گسیختگی فرهنگی ممانعت نموده و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد.

در ارتباط با موارد مذکور فعالیت هر پژوهشکده‌ی پژوهشگاه میراث فرهنگی بر بخشی از فرهنگ گسترده‌ی ایرانی حسب تکلیف تعیین شده بر آن، متمرکز است. عظمت این گستردگی فرهنگ و تمدن به گونه‌ای است که برای شناخت دقیق آن باید در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی منطقه نیز تأمل نمود.

با نگرشی سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق آن و فراهم ساختن بستری مناسب برای انضام کیفی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و قدرت بخشیدن و پر رنگ ساختن حلقه‌های فرهنگی فراهم‌شده و احیای هنرهای از یاد رفته این مرز و بوم و همچنین در راستای انجام ششمین وظیفه‌ی برسم‌ده برای پژوهشگاه، گام مصمم این است که گزیده‌ی تحقیقات به عمل آمده در هر یک از پژوهش‌ها به ویژه آثاری که حاصل همکاری مشترک پژوهشگاه و مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی هم‌طراز با آن‌هاست، به صورت ممکن به نشر درآید که ماحصل آن طریقه‌ای است برای کاربردی کردن دانش به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه‌ی راهبردی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

از سوی دیگر اذعان می‌نماییم پژوهش عامل و مبنای پیشرفت توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده اصل حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم است. لذا برای ایجاد برآیند حاصل از نتایج و تحلیل یافته‌های مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوطه می‌تواند عامل مؤثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای ساختن برنامه‌های دست انجام و نیز راهنمایی برای نسل آینده در راستای شناسایی و معرفی و هویت‌بخشی ایران باشد. به علت گستردگی حوزه‌ی فرهنگ و تعدد عوامل تاثیرگذار بر آن حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن می‌تواند اولین گام باشد. لذا پژوهشگاه بر آن است با همکاری پژوهشگران و اساتید این رسالت را به انجام رساند و امید دارد با حرکت در این مسیر دست‌همیاری و همراهی شما را در دست گرفته تا بتواند گام مؤثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

یک قصه بیش نیست غم عشق و لیک
از هر زبان که می‌شنوم نامکرر است

سرزمین ایران از دیرباز مهد پیدایش و یا محمل گسترش بسیاری از ادیان و مذاهب بوده است. این موضوع به علت گستردگی جغرافیایی این سرزمین و قرار گرفتن آن در میانه‌ی ربع مسکون زمین، در وهله‌ی نخست ممکن است بدیهی به نظر آید ولی نباید از آن ساده گذشت. باید پرسید که چرا ایران خاستگاه آیین مهر و دین زرتشتی و مانویت بود؟ چرا آیین بودا از هند برخاست ولی پس از مدتی خراسان یکی از مهمترین نواحی بودایی جهان شد بطوریکه از طریق بوداییان خراسان بود که آیین بودا به چین معرفی شد. چرا مدفن و بقعه‌ی بیش از ده تن از انبیاء بنی اسرائیل در ایران بود و مثلاً حضور پیروان حضرت عیسی یعنی صابئین یا مغتسله دست‌کم از دوره‌ی اشکانی در ایران و عمدتاً در خوزستان مستند است؟ چرا به تعبیری سه مغی که بشارت تولد حضرت مسیح را به حضرت مریم دادند از ایران بودند و یکی از ایشان در راه بازگشت به موطنش وفات یافت و به روایتی کلیسای حضرت مریم ارومیه بر سر مزار ایشان بنا شد؟ چرا بعدتر و پس از عروج ملکوتی حضرت مسیح وقتی شرایط زندگی برای حواریون را نیکو ناس مسیحی در قلمرو امپراطوری روم و شامات دشوار شد، سرزمین ایران نخستین جایی بود که آنان توانستند ابراز مسیحیت کنند و به طور علنی و رسمی مناسکشان را به جا آورند؛ تا جاییکه یکی از کمترین کلیساهای مسیحیان که به دست خود ایشان بنا شد، یعنی کلیسای حضرت مریم ارومیه در ایران واقع است؟

به نظر می‌رسد نمی‌توان یگانه علت مجموع این واقعات را بخت و اقبال و یا مختصات جغرافیایی ایران دانست. همه‌ی اینها حکایت از ویژگی و یا بالاتر از آن پیشی در اهل این سرزمین می‌کند که می‌توان از آن تعبیر به «حقیقت‌جویی» کرد. به سخن دیگر اهل این سرزمین بنا به قرار گرفتن در معرض ادیان و از روی انفعال نبود که به لباس دینی درمی‌آمدند، بلکه آنان چون تشنه‌ی درک حقیقت بودند و دیده‌ای «گوهرشناس» داشتند، وقتی کلامی راستین عرضه می‌شد، پیرو واقعی‌اش می‌شدند. و اگر خوب دقت کنیم میان مؤمنان حقیقی به یک دین و کسانی که صرفاً ملتزم به رعایت شرایع آن دین‌اند تفاوت بسیار است. این مؤمن حقیقی است که چون خود گوش به حقیقت سپرده و دل در گرو آن دارد، می‌تواند «قلب»‌های حقیقت‌جوی دیگری را نیز «منقلب» و گرفتار کند.

تعلق خاطر ایرانیان به گوهر ادیان بوده که سبب می‌شد مجوسان منتظر و بشارت‌دهنده‌ی میلاد مسیح باشند؛ در این معنی ادیان هرچند در شرایع و بروز و ظهوراتشان با هم تفاوت‌هایی دارند ولی از آنجا که همه حقیقت واحدی را عرضه می‌دارند باطناً اتحاد دارند و چون ایرانیان بنا به بینش

فرهنگی‌شان می‌توانستند متوجه مقصد و مقصود و حاصل واحد ادیان شوند هر گاه که ملتزم به دینی می‌شدند با پیروان دیگر ادیان آسمانی نیز طریق رواداری و تساهل را پیش می‌گرفتند و اصلاً همین سبب می‌شد که ایران پایگاه و «پناهگاه معنویت ادیان» مختلف شود.

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
«حافظ»

در قرائت معنوی ایرانیان از دین، مفهوم ولایت مفهومی بنیادین است. در این معنی دینداری به التزام به بایدها و نبایدهای شرعی، خلاصه نمی‌شود بلکه به معنی «رهروی راه حقیقت» شدن است؛ و کسی که در پست و بلند این راه، در حکم پیران راهنماست، ولی است. در این نگرش، ایمان آوردن به معنی «پیمان بستن» با راهنما و «بر ست پیمان بستن» است، برای همین است که مسیحیت که عمده‌ی تأکیدش بر معنویت و باطن دینداری است، از دو تولد تا مرگ و به انحاء مختلف، مسیحیان را به تجدید عهد دعوت می‌کند. اصل قرار گرفتن معنویت دین در مسیحیت و رای شریعت، در این واقعیت که حضرت عیسی مسیح داعیه‌ی آوردن شریعت نو نداشتند و خود را پیرو شریعت موسی می‌دانستند آشکار می‌شود، این یعنی حضرت مسیح برای احیای معنویت و جوهر دین مبعوث شده بودند. گرایش به معنویت، در نمادها و آداب مسیحی بروز و ظهور استعاره‌ی فراوانی یافته است؛ اینکه یکشنبه روز کلیساست و یکشنبه (Sunday) منسوب به «خورشید» است و اینکه قبله‌گاه مسیحیان و خصوصاً کلیسای شرق رو به طلوع آفتاب ساخته می‌شده، حکایت از تشبیه جستن حضرت مسیح به خورشید دارد یعنی راه‌نمای عالم و کسی که در پرتو وجودشان می‌توان طریق طریق کرد.

در بینش ایرانیان از دوران باستان، هستی واجد انتظامی است که مبتنی بر راسی است و آنچه این انتظام را حفظ می‌کند، عهد و پیمان است، لذا هر آنچیزی که معنای پیمان‌سختی داشته باشد در واقع محل این انتظام و قبیح است. به همین سبب است که وقتی عمیقاً تأمل می‌کنیم متوجه می‌شویم از دیرباز همه‌ی اعیاد و مراسم و آداب و آیین‌ها در ایران به نوعی قصد داشته است، عهد و پیمان آدمی با کل واحد متعال را به آدمی تذکر دهد. همانطور که در این کتاب نیز به خوبی به تصویر کشیده شده است، هر کدام از آیین‌های مسیحیت، از تولد؛ و تشرف به مسیحیت به واسطه‌ی غسل تعمید؛ و سپس آیین ازدواج در پیشگاه کلیسا؛ و آنگاه مرگ و اصلاً در نیایش‌های هفتگی و روزانه و اعیاد و مراسم دیگر، و رای اهمیت خود مناسک، معنای تجدید پیمان دارد. همانطور که در

انجیل متی اشاره شده، حضرت در مراسم شام آخر حواریون را به خوردن نان و شراب دعوت کرد و فرمودند: «بگیرید و بخورید این است بدن من و این است خون من که اجراء پیمان تازه را تأیید می‌کند و برای آمرزش گناهان بسیاری ریخته می‌شود». گویی با نوشیدن شراب و خوردن نان، حال ایشان در مسیحیان حلول می‌کند و مؤمنین مسیحی از نور وجود ایشان بهره‌مند می‌شوند و عهد می‌بندند که پس از ایشان همچنان در همان راه باقی بمانند.

اگر دینداری را مسیر سلوک بدانیم آنگاه همه‌ی مراحل زندگی به تعبیری به منازل این راه تبدیل می‌شود؛ از هم مهمتر ازدواج و زناشویی است. ازدواج در مسیحیت به معنی همراهی تمام و کمال با همسر در همه‌ی احوال و یکی از جلوه‌های پیمان بستن و وفای به عهد است. بدین اعتبار طلاق در مسیحیت دیگر صرفاً معنایی صوری و اجتماعی نخواهد داشت، بلکه معنایی هستی‌شناختی و معادل با پیمان‌شکنی دارد. ازینروست که بسیار مذموم تلقی می‌شود. به اعتبار دلالت ازدواج بر پیمان، نه فقط در مسیحیت که اساساً در قلمرو فرهنگ ایرانی فارغ از اینکه ایرانیان پیرو چه دینی بوده‌اند، رویکرد ایمانی به بستن و کتبه دین طلاق را در زمره‌ی دروغ و پیمان‌شکنی و امری مذموم شمرده است.

اگر به ظواهر مادی اکتفا کنیم مرگ به معنی نیستی و فقدان شخص درگذشته است. طبیعتاً اگر مرگ را به معنای «عدم» بدانیم زیارت تربت متوفیان معنایی ندارد. در حالیکه ایرانیان تلاش کرده‌اند که همچون هر موضوع دیگر، پرده از روی مرگ نیز کنار زنند. لاجرم در پس این پرده همان چیزی را یافته‌اند که در مرتبه‌ی مادی از بین رفته بود؛ یعنی «حیات». اما حیات پس از مرگ، با حیات پیش از آن تفاوتی اساسی دارد؛ این حیاتی است که دیگر دچار کین و فساد نمی‌شود و ابدی است. کسی که از دنیا رفته، دچار فساد نشده بلکه از چرخه‌ی کون و فساد هیله است و به آن جوهره‌ی لطیف و ماندگار حیات رسیده است و ای بسا سهمش از حیات از م‌ زندگان بیشتر باشد. بنابراین برخورد ما با وی نیز همچون امری حی و حاضر است و نه معدوم. چه باور به زندگی اخروی نیز امری سابقه‌دار در ایران است؛ اینکه از هزاره‌ها پیش از میلاد مسیح در ایران تدفین از نوع «خاکسپاری» پیکر متوفی موضوعیت داشته است و حتی رفتگان را به شکل جنینی به خاک می‌سپردند، دلالت بر باور به جهان پس از مرگ و حشر دوباره دارد. همین تلقی از مرگ در مسیحیت نیز به طور کامل بروز و ظهور یافته است.

به این ترتیب اگر با نگاهی حقیقت‌بین در عمق بینش مسیحی به موضوعات مختلف تأمل کنیم، آن را در تطابق با بینش فرهنگ ایرانی می‌یابیم؛ لذا نه فقط کلیسای مسیحیان که آیین و مناسک جاری در این کلیساها نیز از آنجا که به نحوی دلالت بر فرهنگ ایرانی و بینش ویژه‌ی ایرانیان به



هستی دارد در زمره میراث فرهنگی ایرانیان خواه مسیحی و خواه غیرمسیحی است. وقتی سخن از فرهنگ ایرانی می‌گوییم، صحبت از تنوع فرهنگی شگرفی می‌کنیم که تنوع ادیان را نیز شامل می‌شود. فرهنگ ایرانی در عین اینکه به طور خاص به هیچ‌کدام از این فرهنگ‌ها محدود نمی‌شود و در واقع در مضیق‌هی هیچ‌یک قرار نمی‌گیرد، همه‌ی این تنوع را نیز شامل می‌شود. اشتباه است اگر این تنوع فرهنگی را محل حیات فرهنگ ایرانی بدانیم؛ به عکس این تنوع همواره مقوم حیات و وحدت فرهنگ ایرانی بوده است چراکه از جوهره‌ی واحد و مشترکی برخوردار است. اگر فرهنگ ایرانی را به نمایشنامه‌ای بزرگ تشبیه کنیم، اهل هر یک از این قلمروهای فرهنگی بنا به صفات و ویژگی‌های خود نقشی در این نمایشنامه بر عهده داشتند در عین اینکه در نهایت کل این نمایشنامه موجودیت و پیام واحدی داشته است. از این نظر پیروان ادیان مختلف صرفاً به این اعتبار که در قلمرو فرهنگ ایرانی زندگی می‌کنند «ایرانی» تلقی نمی‌شوند؛ اغراق نیست اگر بگوییم اصلاً ایرانی بودن سبب شده که ادیان مختلف فرصت اشاعه پیدا کنند. در هنگام عرضه به اعتبار حقانیتشان، ایرانیان حقیقت‌جو را به خود جلب کنند.

همین سنت و بینش بود که در دوران اسلامی نیز دایره یافت، به این معنی که ایرانیان با دین اسلام نیز به نحو ویژه‌ای مواجه شدند و آن به جا آوردن مسئولیت اسلام بود. بسنده نکردن ایرانیان به شریعت اسلام و تعلق خاطر به باطن و معنویت آن، این بار میرزا باور و ارادت نسبت به مفهوم ولایت به منصفی ظهور رسید. پیرو همین طرز فکر بود که تقریباً همه‌ی طریقه‌های صوفیانه و عرفانی و همه‌ی شاخه‌های مذهب تشیع و مذهب شافعی در میان اهل سنت که از همه‌ی دیگر شاخه‌ها به تشیع نزدیک‌تر است، مهد و محمل نشوونمایشان جهان ایرانی بوده است. مزارات و بقاعی که منتسب به وابستگان اهل بیت و بزرگان طرائق و مذاهب مختلف در جای‌جای ایران هست، همگی از جهت نسبتی که با ولایت و راهبری دارند محترم و مقصد زیارت و تکریم بوده ایرانیان شده‌اند. این خود شاهی است بر اینکه اهل این قلمرو فرهنگی فارغ از اینکه پیرو چه دین آسمانی بوده‌اند، دغدغه‌ی فهم و طی طریق در مسیر تقرب به حقیقت متعالی را داشته‌اند.

سید محمد بهشتی

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

۱۳۹۵ بهمن